



12 فبروری 2014



داکتر سید عبدالله کاظم

درسی که باید از گذشته آموخت!

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009

(به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان»)

Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت یازدهم

چگونه دور دوم انتخابات زمینه سازی شد؟

کمیسیون مستقل انتخاب با انتشار یک اعلامیه مطبوعاتی نتایج دور اول انتخابات را بتاريخ 28 میزان 1388 (20 اکتوبر 2009) چنین بیان کرد: «کمیسیون مستقل انتخابات بعد از دریافت دستاویز کمیسیون شکایات انتخاباتی مبنی بر باطل سازی آرای مربوط به محلات مختلف در سرتاسر کشور و جمع بندی نتایج به این نتیجه رسیده است که محترم حامد کرزی با دریافت 49.67 فیصد کل آرای معتبر، کاندید پیشتر شناخته شده اس؛ چون هیچ یک از نامزدان محترم انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 نتوانسته اند که با در نظر داشت قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان اکثریت بیش از 50 فیصد آرای قانونی رأی دهندگان را کسب نمایند، بناً کمیسیون مستقل انتخابات با در نظر داشت محدودیت های زمانی و فرا رسیدن فصل سرما و موجودیت مشکلات موجود در کشور بدین وسیله اعلام میدارد که دور دوم انتخابات ریاست جمهوری با در نظر داشت احکام پیشبینی شده در قانون اساسی افغانستان به تاریخ 16 عقرب سال روان در سرتاسر کشور برگزار میگردد». (اژانس خبری باخترا، مورخ 20 اکتوبر 2009)

عصر همان روز پس از انتشار اعلامیه فوق رئیس جمهور حامد کرزی در یک کنفرانس مشترک خبری با سناتور جان کری رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا و کای آیدی نماینده خاص ملل متحد موافقت خود را با متن اعلامیه فوق با این عبارات بیان کرد: «ما اقدام کمیسیون مستقل انتخابات را یک اقدام قانونی و برحق میدانیم و بعد از 14 روز شاهد دور دوم انتخابات خواهیم بود. مردم برای بار دوم به پای صندوقهای رأی خواهند آمد و از بین دو کاندید که بیشترین آرا را گرفته اند، به کاندید مورد نظر خود رأی خواهند داد». او در برابر سؤالی که آیا از رفتن به دور دوم راضی است، جواب داد: «به خیر ما همین بود که انتخابات را به دور دوم ببریم، اگر من برنده هم اعلام می شدم، این پیروزی من به خیر مردم افغانستان نبود، چون انتخابات بدنام شده بود و حکومتی هم که من می ساختم به خیر مردم نبود». (بی بی سی مورخ 27 اکتوبر 2009)

طی این کنفرانس خبری جان کری حمایتش را نیز از رفتن به دور دوم اعلام کرد و گفت که جامعه بین المللی حاضر است در برگزاری دور دوم انتخابات افغانستان را همکاری لازم نماید و اما عده ای از نمایندگان ولسی جرگه به این نظر بودند که رفتن به دور دوم بنابر مصلحت های سیاسی صورت گرفته بود. (رادیو آزادی، مورخ 20 اکتوبر 2009)

در این موقع داکتر عبدالله اشتراک خود را در دور دوم انتخابات موکول به شرایطی کرد، از جمله برکناری رئیس کمیسیون مستقل انتخابات داکتر عزیزالله لودین، وزیر معارف فاروق وردک، وزیر داخله حنیف اتمر و اسدالله خالد وزیر سرپرست سرحدات، همچنان جیلانی پوپل رئیس ارگانهای محل، در غیر آن او گفت که از کاندید شدن منصرف خواهد شد. اما کمیسیون مستقل انتخابات تصریح کرد که مطابق به قانون انصراف از کاندید شدن فقط در یک موقع معین صورت گرفته میتواند و بعد از آن کاندید حق انصراف و تحریم را ندارد. اگر کاندید نخواهد در دور دوم انتخابات اشتراک کند، اینکار مانع تدویر انتخابات نمیگردد. کرزی از یکطرف به اشتراک عبدالله در دور دوم تأکید داشت و از طرف دیگر از قبول شرایط او مبنی بر عزل اشخاص فوق الذکر خود داری کرد و گفت که ایشان هیچ کار مخالف قانون انجام نداده اند. (بی بی سی، مورخ 27 اکتوبر 2009)

با این ترتیب دیده میشود که با رفع یک معضله، معضله دیگر پیش روی انتخابات قرار میگرفت و موجب ادامه بحران می شد. اینکه چگونه بحران بعد از تلاشهای زیاد جان کری و بخصوص کای آیدی حل گردید، سؤالیست که دو فصل دیگر کتاب کای آیدی ذیلاً به آن جواب می گوید:

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

آقای رئیس جمهور! من تصمیم به کناره گیری گرفته ام.

(فصل بیست و هشتم کتاب از صفحه 205 الی 211)

مترجم: محمد همایون هارونی

ساعت ها با جان کری نماینده حکومت امریکا در قصر ریاست جمهوری نشسته بودم. کری و آیکن بیری از من خواهش نمودند تا حضورداشته باشم. طرزالعمل وروش کری مشخصاً موردپسند کرزی بود؛ وی با رئیس جمهور افغان به آرامی واحترام رفتار میکرد. هیچگاه از کلمات ناخوشایند استفاده نمیکرد. فقط مذاکراتش مختص به موضوعات جدی وصریح بود. با آنهم من نگران بودم، زیرا کرزی به دلیل جلسات متواترکه با نماینده امریکا داشتم، مرا بجای آنکه نماینده مستقل ملل متحد بشناسد، از دیدگاه همدست بودن با امریکا می پنداشت. این ضعف ونا توانی مرا نشان میداد که در قضایا مؤثرباشم، چون تاکنون رئیس جمهور آمانگی خودرا به دوره دوم انتخاباتی نشان نداده بود. موقعیکه اولین روز مذاکرات کری خاتمه یافت، بفر آن افتادم که جلسه آینده را چطور باید اداره نمایم. پلان بود که کرزی با کری وسائرمشاورین امریکا عصرروز دیگر ملاقات نماید. بعقیده من لازم بود رئیس جمهور را بطور دیگر تحت تأثیر قراردهیم. کری میتوانست از موقف اضلاع متحد ه امریکا بحیث بزرگترین کمک کننده افغانستان نظر به سائر همکاران بین المللی استفاده نماید. اما روابط من متکی براعتبار و اعتماد بود. از همان آغاز انتخابات من همیش با نیروی هر چه بیشتر از قانون اساسی و قوانین انتخاباتی پشتیبانی نموده بودم و به همین دلیل اختلافات شدید بین من و نمایندگان حکومت امریکا و معاونم قبل ازانتخابات و در جریان انتخابات ایجاد شده بود. عصر روز دیگر و فردای آنروز قطعی بود که هرگاه رئیس جمهور دوره دوم را نپذیرد و بعوض پافشاری کند که او برنده است، این عمل تاثیرات نامطلوب را در استحکام و ثبات کشور به وجود خواهد آورد. فکر کردم که اگر بار دیگر با جان کری در جلسات کرزی اشتراک نمایم، لطمه سنگین به توانائی خود خواهم زد حتی در آینده نخواهم توانست مستقلانه بالای این قضیه تأثیر وارد نمایم. در جریان شب و فردای آنروز غرق این مفکوره بودم، حتی با آیکن بیری نیز مشوره کردم که آیا با امریکائی ها یکجا شوم یا خیر؟ بالاخره تصمیم گرفتم که به ملاقات رئیس جمهور به تنهایی بدون حضورکری و اعضای تیمش بروم. لهما قبل ازآنکه کری از سفر خود در جنوب افغانستان برگردد، از رئیس جمهور اجازه ملاقات خواستم. بعدازظهر نزدیک شام بود که به دفتر کرزی رفتم. سپانئا نیز در آنجا حضور داشت. به کرزی اظهار نمودم که میخواهم با وی یک ملاقات سری داشته باشم. دفتررسمی را ترک کردیم و هرسه از پله های زینه پائین رفته بسمت دفتر کوچک روان شدیم. دراین اطاق کوچک منزل اول مزاحمت کمتر بود.

رئیس جمهور را از قضایا مطلع ساختم و گفتم هرگاه رئیس جمهور دوره دوم انتخابات را قبول ننماید، من باید استعفاى خود را اعلام نمایم. درجریان دوره انتخابات منمهمک براحترام به قانون اساسی ودستورات انتخاباتی بودم. من یک مسئولیت جدی را بعهده گرفته بودم، بنابراین بانقادات و طرزبرخورد های شدید روبروشدم. هرگاه کرزی دوره دوم انتخابات را که قانون اساسی لازم میداند نپذیرد، اقدام من به ناکامی مواجه شده، واینکاربه معنی آنست که رئیس جمهور خود به قانون احترام ندارد. در ضمن اینکار برای من نیز یک صدمه جبران ناپذیر خواهد بود که قادر به ادامه کار خود بحیث نماینده ملل متحد نخواهم بود.

این مشکلترین مباحثه بود که با کرزیبعمل آوردم، من از ایفای وظیفه شاقه انتخابات طولانی خسته شده بودم مخصوصاً از اتهامات گالبرایت وسائرسانه های خارجی. جدوجهد چندین ماهه ما طی مراحل مختلف انرژی مرا را کم کرده وضعیف شده بودم. کرزی ملاحظه کرد که چطورخسته بودم. آثار آنرا که در پیغام صادفانه منعکس میشد، بخوبی احساس می نمود. تصورمیکردم مذاکرات ما بیش ازپانزده دقیقه دوام نکنند، اما مدت یک ساعت در دفتر کوچک نشستیم، و مروری از تجارب تلخ انتخابات را با برآشفتگی های که به ارتباط برخوردار با بعضی همکاران بین المللی داشتیم، باهم درمیان گذاشتیم. وی آهسته صحبت میکرد و تصورمیکم به تصمیم من وقعی می گذاشت و متوجه بود تاچه حد برایم مشکل تمام شد تا به نتیجه نهائی برسیم.

کری و آیکن بیری طوریکه آرزو داشتم مذاکرات خویش را با رئیس جمهور بدون حضور من درآنشب دوام دادند، قرار معلوم مذاکرت بخوبی پیش میرفت، فردای آنروز بار دیگر کمی ناوقت تر شروع کردند و رئیس جمهور پافشاری داشت که بیشتر از نصف آرا را به دست آورده است. کری بوضاحت گفت که وی فقط چند ساعت معدود وقت دارد و بعداً کابل را ترک خواهد گفت. هرگاه متیقن شود که مشکل حالا حل نمیشود، درآینده وقت زیاد را خواهد گرفت و نیزخطر بی ثباتی، شورش وناآرامی تقویه خواهد شد. من چند لحظه را تا قبل از ظهر باایشان گذشتاندم و بعداً دوباره به دفتر خویش برگشتم. بعد از آن نمی خواستم که در مذاکرات با کرزی و کری تنها یک تماشاچی باشم.

بعد از مدتی از من سؤال شد که به قصر ریاست جمهوری برگردم. زمانیکه رسیدم از اوضاع چنین بر می آمد که راه حلی دریافت شده است. مگر اطلاعش سبب تعجبم گردید، موضوع چنین بود که بروفق دریافت کمسیون مستقل انتخابات چهل سه صندوق آرا حین بررسی معیار را تکمیل نموده و باطل دانسته شده بودند. کری توافق نشان داد که آنها را نیز در جمله آرای

د پانو شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکی په خیر و لولی

قانونی بشمارند که در نتیجه آرای رئیس جمهور قری زیادتگریدید. برای من موافقه با چنین امر مشکل بود. باوجود آنکه قبلاً موافقه نموده بودم از هیچ نوع همکاری با کمیسیون بررسی شکایات دریغ ننمایم، تصمیم گرفتم ازین فیصله دوری جویم. من بد گمانی خود را به همکاران امریکائی خود ابراز داشتم. این امر در یک لحظه تشنج بوجود آورد که آیا نماینده ملل متحد باوجود زحماتی که متحمل شده و کرسی را قناعت برفتن در دور دوم داده است، میخواید آنرا از هم بپاشد؟

درک فکر کوری مشکل نبود، اهمیت نداشت که کرسی 48 ویا 49 فیصد رأی برده باشد، چون رئیس جمهور قانع گردید که دور دوم انتخاباتی را قبول کند، دیگر برای حفظ آبرو با ارزش است که کمیسیون بررسی شکایات این قیمت را بپردازد.

نمایندگان کمیسیون مستقل انتخابات بمنظور جمع آوری و محاسبه ارقام به دفتر خویش برگشتند. وبقیه ما دفتر رئیس جمهور را ترک گفته بیرون در باغ قصر منتظر ماندیم، کوری و کرسی بگردش و قدم زدن "محرمانه" آغاز نمودند، به تعقیب ایشان قطار طولانی محافظ ها و مشاورها روان بودند. من با یک گروپ وزرای افغان یکجا ایستاده بودیم. آنها باهم مشاجره میکردند که قبل از ختم دوره دوم نباید هیچنوع معامله با عبدالله صورت گیرد. آنها پافشاری داشتند که جهت قانونی شدن دور دیگر ریا ست جمهوری به بیشتر از 50 فیصد رأی نیاز است.

بیشتر از یکساعت نگذشت که نتایج نهائی رسید. بنأسی از کمیسیون انتخابات رئیس جمهور در حدود (49.67) فیصد رأی را بدست آورد. کرسی مخالفت نکرد و دور دوم انتخابات با ت را پذیرفت. به این ترتیب ما بخت یک فصل درد ناک مرحله انتخاباتی رسیدیم. کوری و کرسی آمادگی خود را برای یک کنفرانس مطبوعاتی می گرفتند که چندین ساعت به تعویق افتاده بود. هر دوی ایشان میخواستند من هم با ایشان سهم بگیرم، باوجودیکه علاقمند شدید نبودم. از آنجائیکه هیچ نوع ارقام نخواهد شد، خواستم اشتراک نمایم. هرگاه کسی از 67.49 فیصد یاد آور شود، من درموقف ناشایسته قرارخواهم گرفت. این ارقام متکی به آنده صندوقهای رأی بود که غلط یا صحیح مشکوک اعلام شده بودند. این تصمیم توسط نماینده امریکا و یکی از کاندیدان صورت گرفته بود.

کنفرانس مطبوعاتی دایر شد، کرسی بطور واضح اظهار داشت که با دور دوم انتخاباتی توافق دارد. کوری نیز به نوبه خود اظهار خوشی کرده متذکر شد که این تصمیم از منتهای آگاهی زمامداری رئیس جمهور است. من تأکید کردم که این دور باید از دور اول بهتر باشد، و از خدمات اعضای کمیسیون بررسی شکایات در زمینه اظهارقردانی نمودم. به اینترتیب سه روز دشوار تصمیم گیری به پایان رسید. حال جان کوری میتوانست به واشنگتن برگشت نماید. بقیه ما باید آمادگی به حماسه دور دوم انتخاباتی بگیریم.

من طرز کار جان کوری را تقدیر نمودم زیرا با رئیس جمهور به احترام رفتاری نمودم. این روش برای رئیس جمهوری تغییر کلی با برخورد های سائر نماینده گان امریکائی بشمول هالبروک داشت. هرگاه این روش از ابتدای دوره اوبا ما به همین منوال آغاز میشد، از یکمقدار زیادی مخالفتها و بی اعتمادی ها جلوگیری بعمل می آمد. فکر میکنم بعد ها کرسی متذکر شد که کوری یگانه نماینده امریکا است که مورد اعتمادش میباشد.

دور دوم بتاریخ هفتم ماه نوامبر تعیین و مراحل آمادگی آغاز شد، من قبلاً به رئیس جمهور یاد آور شده بودم که باید صندوقهای رأی دهی بر علاوه سائر مواد ضروری به طبع رسیده و از خارج وارد گردد. وقت آن رسید که باری دیگر با ایساف، وزارت دفاع، و وزارت داخله بشمول امنیت ملی و کمیسیون مستقل انتخابات جهت احیای پلان های امنیتی مذاکره نمود. باری دیگر با ید توافق جانبین را درمورد تعداد محلات و مراکز رأی دهی بدست آورد. تصمیم درزمینه عیناً بهمان شکلی که دوماه قبل بود، گرفته شد، باردیگر مواد مورد ضرورت انتخابات باید به نواحی و قریه جات توزیع شوند، وکارگران مسئول استخدام گردند. کسانی که در گذشته به تقلب دست زده بودند، تعویض شوند. مگر یک مزیت نظر به دور اول موجود بود که ما تنها دو کاندید برای ریاست جمهوری داشتیم و انتخابات شوراها و ولایتی ضمیمه آن نبود که کار را ساده میساخت. مگر با آنهم یک عمل دشوار بود، زیرا باید در ظرف سه هفته تنظیم و تکمیل میشد.

در رابطه با کرسی من مشکلات زیاد داشتم، اما اعتماد عبدالله را بدست آورده بودم، در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی که بتاريخ 21 اکتوبر دایر گردید، وی متذکر شد که روش عمله ملل متحد در جریان انتخابات مؤثر و با شفافیت کامل بود. وی یک سلسله شرایط را برای دور دوم اعلام نمود و گفت من به ملل متحد بیشتر از کمیسیون مستقل انتخابات اعتماد دارم. اظهارات وی که لودین باید از ریاست کمیسیون انتخابات برکنار شود، قابل درک بود، اما عملی نبود. همچنان در خواست برکنار کردن یک تعداد وزرا یک حرکت تاکتیکی آمادگی برای عقب نشینی از مجموع مراحل مختلفه بود، و برای من این تغییر در طرز تفکر عبدالله یک روش خارق العاده بود. حال او میدید و میدانست که بمن اعتماد کرده میتواند.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

باخت کرسی در دور دوم کم بود، البته که عبدالله از ما بیشتر میدانست. طرفدارانش نیز درک کردند که این معجزه خواهد بود که وی در دور دوم موفق شود. طرفدار متحدش پروفیسور ربانی نمیخواست دیگر پهلوی یک شکست خورده ناموفق قرار گیرد، منفعت را در ان دانست تا با رئیس جمهور بییوندد. در مجامع و کمیته های بین المللی ترس از دیدار نا آرامی و خشونت و بی ثباتی در دور دوم در کابل و سائر شهر ها بنظر میخورد. بهتر آن خواهد بود که رئیس جمهور و عبدالله بیک فیصله بین هم برسند. هر گاه عبدالله از انتخابات کناره گیری کند، اهمیت فوق العاده خواهد داشت، زیرا این عمل سبب جلوگیری از مظاهرات و خشونت خواهد شد. واضح بود که یکتعداد طرفداران عبدالله آماده بودند که به اعتراض از غیر قانونی بودن انتخابات به سرکها هجوم آورند. بمنظور اجتناب از همچو یک فاجعه، ایجاب مینمود تا کرسی دست خود را بسمت مخالف دراز نماید.

من رفتم تا دریابم که اگر رئیس جمهور آمادگی خود را به همچو اقدام در برابر عبدالله نشان میدهد. در چنین دیدارها اکثراً با رئیس جمهور به تنهایی ملاقات میکردم. در سائر بازدید ها به همراهی بیری بملاقات کرسی میرفتم. رئیس جمهور هیچ پیشنهادی نداشت، کرسی نمیخواست با فشار بالاایش حکومت «وحدت ملی» تحمیل گردد، و ما هم چنین آرزو داشتیم. حتی عبدالله نمی خواست بحیث وزیر در حکومتی که غیر قانونی می پنداشت، عضویت داشته باشد. متأسفانه چند تن تحلیلگران سیاسی و نماینده های بین المللی مشخصاً از جملات همچو «حکومت وحدت ملی» و «حکومت ائتلافی» در بیانات خویش یاد آور شدند. کرسی این را یک نوع دیگر کوشش دخالت آمیز بین المللی می شمرد.

ما از کرسی خواهش نمودیم تا برای عبدالله یک مقام سیاسی خارج حکومت اعطا نماید، یک تعداد زیاد پیشنهادات صورت گرفت بشمول ریاست کمیسیون ریفورم و یا بازسازی، زیرا عبدالله باز سازی را اساس پلان و گفتار خود در دوره انتخابات مطرح نموده بود. اما قابل درک بود که رئیس جمهور هیچ علاقمندی در این موارد نشان نداد.

فضای گفتگو در اثنای بحث این جریانات بین من، رئیس جمهور و آیکن بیری جدی گردید. من اظهار داشتم که بمنظور امکان رسیدن به توافق بین عبدالله و رئیس جمهور، سکرتر جنرال ملل متحد در نظر دارد بکابل سفر نماید. در اول رئیس جمهور کدام عکس العملی نشان نداد و من آماده شدم تا جلسه را ترک گفته و به سمت دفتر مراجعه نمایم زیرا ادامه چنین مباحث بیپایه بود. رئیس جمهور خشمگین شده افزود، نه تنها دور اول را از من ربودید، و حال انتظار دارید که دور دوم انتخابات را نیز فسخ نموده مرا مجبور بسازید با شخص مخالف خود حکومت ائتلافی تشکیل بدهم. از پیشنهاد من که او از سفر بانکی مون استفاده نماید، کرسی بیشتر خشمگین گردید و افزود این یک مرحله انتخابات است که به انجام باید رسید، نه اختلافات بین الفتح و حما س در ناحیه فلسطین. من کرسی را هیچگاه چنین خشمگین ندیده بودم.

واضحاً خطا از رئیس جمهور نه، بلکه از من بود که جلسه ما به مشاجره کشید. من باید مسئولیت آنرا بعهده گیرم زیرا من بودم که وی را خشمگین ساختم. در اولین فرصت از وی معذرت خواستم زیرا من بودم که سبب تحریک او شدم.

در آخرین روز های اکتوبر کوشیدم، هرطوری شود زمینه آرامش هر دو کاندید را مهیا و یک فضای دور از خطر را جهت یکجا شدن ایشان فراهم سازم. هیچ یک از ایشان علاقمندی نشان ندادند، تا روز بیست و هشتم اکتوبر که دشوار ترین روز طی دوسال اقامت من در افغانستان بود. (پایان فصل)

بازی آخر انتخابات: پیروزی جنجال برانگیز کرسی

(فصل سی کتاب از صفحه 220 ال 224)

مترجم: داکتر کاظم

هفته ها پس از آنکه کرسی دور دوم را قبول کرد، من تلاش کردم بین کرسی و عبدالله یک ملاقات را ترتیب دهم تا در قبال آن بین آنها یک نوع تفاهم ایجاد گردد و خطر بی ثباتی سیاسی کاهش یابد. ما در باره وقت و محل ملاقات باهم صحبت کردیم. مهم بود تا از این احساس جلوگیری شود که کدام یک قدم اول را گذاشته و دیگری را برای ملاقات دعوت کرده است. عبدالله اصرار داشت که بهتر است این ملاقات از مجرای ملل متحد صورت گیرد و کرسی نیز با این نظر مخالف نبود. در نهایت هر دو موافقه کردند که ملل متحد این ملاقات را سربراه سازد، ولی آنها در مورد محل ملاقات موافقه نداشتند. کرسی میخواست ملاقات در قصر ریاست جمهوری صورت گیرد، ولی عبدالله ترجیح میداد که آنها در قصرنمبر 7 ملاقات کنند. هر دو در موقف های خود ایستادگی داشتند. با آنکه چنین بحث ها مضحک بود، اما در بحبوحه مبارزات هر اقدام میتوانست به نحوی نقطه ضعف یکی را توجیه کند. بتاريخ 28 اکتوبر که مصادف با حمله بر مهمانخانه باختر بود، عبدالله یک قدم مؤثر گذاشت و در آخر یک صحبت تلفونی قبول کرد که به خاطر رفع مشکل و احترام به زحماتی که ملل متحد در زمینه متقبل شده بود، به قصر ریاست جمهوری برود. این سخن او مرا خوشنود ساخت و عبدالله به یک اقدام محترمانه و قابل تمجید مبادرت ورزید. ما موضوع را به اطلاع دفتر رئیس جمهور رسانیدیم و آنها نیز موافقه کردند.

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هینه میلفالد و من یکجا به عمارتی رفتیم که قرار بود ملاقات در آن صورت گیرد تا متیقن شویم که همه چیز برطبق وعده است. حوالی شام بود و ملاقات در ساعت 8:30 شام تعیین گردیده بود. عبدالله به قصر نمبر 7 آمد و در با یک موتر ملل متحد به قصر ریاست جمهوری رفت. از ورود او و دست دادن با کرزی و حضور من در بین آنها، عکس برداری شد تا نشانه ای از پادرمیانی ملل متحد پنداشته شود. هردو آرام معلوم می شدند. آنها یکدیگر خود را از سالها بدینسو خوب می شناختند؛ عبدالله وزیر خاجه کرزی بود و اما پس از مدت تقریباً شش ماه این اولین بار بود که آنها یکدیگر خود را می دیدند.

من به قصر نمبر 7 برگشتم، جائیکه عبدالله موتر خود را در آنجا گذاشته بود. دوساعت بعد او برای گزارش مختصر به ما به آنجا آمد. ملاقات با رئیس جمهور نتایج مشخص را بار نیآورده بود، ولی به هر حال صورت گرفت و تقریباً نیمه شب بود و هیچ کدام ما برای صحبت مزید حوصله نداشتیم. عبدالله رفت و هینه، سکات و من در قصر نمبر 7 ماندیم که یک روز بسیار مشکل را در کابل به پایان رسانیده بودیم: از وقوع حادثه المناک انفجار انتحاری مهمانخانه باختر مربوط ملل متحد در صبح زود آن روز تا یک فصل دیگر از ماجرای انتخابات در حوالی شام. به مشکل میتوان باور کرد که این حوادث مهم در یک روز اتفاق افتد.

به وضاحت کامل معلوم می شد که عبدالله از نامزدی خود برای دور دوم ریاست جمهوری کنار خواهد رفت. بسیاری از سفرا از او می خواستند که او نباید برکناری خود را به حیث تحریم (بایکات) از کاندید شدن ارائه دارد، که موجب مکرر شدن فضا و بروز مشکلات جدی میگردد. هنگامیکه عبدالله با بسیار هیجان کنفرانس مطبوعاتی خود را بتاريخ اول نوامبر بغرض اعلام برکناری خود ایراد کرد، او کمال احتیاط را به خرج داد، آنطوریکه ما امید داشتیم. با وجودیکه او نمیخواست در دور دوم اشتراک کند و انتخابات را مشروع نمی دانست، لکن در گفتار خود از سخنان تخریش آمیز خوداری کرد. من طرزبیان او را در آنروزستایش میکنم. او میدانست که نمیتواند در دور دوم برنده شود و اما میتوانست برای خروج از این پروسه یک راه جنجال برانگیز را در پیش گیرد. کنار کشیدن آرام او یک قدم بسیار مهم جهت کنترل گرمای سیاسی بود و از نظاهرات خیابانی جلوگیری کرد. لهذا جامعه بین المللی از این حسن رفتار او تمجید کردند.

کرزی نشان داد که او یک شخص دارای تاکتیک است. چرا او به مقصد مشروعیت بخشیدن مخالف خود و دادن اعتبار برای اجندای اصلاحات یک مقام عالی را به او پیشنهاد کرد؟ چرا او به ایجاد یک فضای تفاهم با عبدالله قبل از رفتن به دور دوم پرداخت؟ کرزی خوش نداشت که عبدالله کنار برود. او میخواست به دور دوم برود تا 50 فیصد آرای قبلی را که بدست آورده بود، دوباره حاصل کند. فقط در همین صورت بود که او میتوانست اعتبار کامل را کسب کند و تنها آنوقت در نظر داشت برای عبدالله یک راه را جستجو نماید.

دو روز بعد از کناره گیری عبدالله، بانکی مون به کابل آمد تا برای قربانیان حمله بر مهمانخانه باختر احترام را بجا آورد و همدردی خود را با مامورین ملل متحد ابراز دارد. من در معیت او به قصر ریاست جمهوری رفتم. ما هنوز در بیرون دفتر رئیس جمهور منتظر بودیم که از کمسیون مستقل انتخابات برایم تلفون آمد و آنها میخواستند از من بپرسند که آیا ملل متحد مخالفت نخواهد کرد هرگاه ما رفتن به دور دوم را فسخ کنیم و کرزی را به حیث برنده اعلان نمائیم؟ این کار عین نظر من بود و یگانه راه پیشرفت امور. سازمان دادن انتخابات با موجودیت یک کاندید با پیشبینی خشونت و تلفات جانی و به مصرف ده ها میلیون دالر هیچ منطقی به نظر نمیرسید. قانون اساسی نیز وضاحت داشت، در صورتیکه کاندید نتواند بیش از 50 فیصد آرا را حاصل کند، انتخابات بدور دوم میرود. اما حالا که فقط یک کاندید وجود داشت و بناً رئیس جمهور به حیث برنده باید اعلان می شد و اینکار شامل عملیه انتخابات بود. من لزوم مشوره با دیگر همکاران بین المللی را ندیدم و یقین داشتم که آنها نظر مرا تأیید میدارند. این اقدام مایه آرامش کمسیون مستقل انتخابات نیز میگردد. به این اساس رفتن به دور دوم فسخ شد و عملیه طولانی و پر جنجال انتخابات به پایان رسید.

من از آن به بعد توجه خود را به عملیه انتخابات معطوف کردم. در یک مرحله در بهار 2009 من به این فکر بودم که آیا ممکن و قابل توصیه است که در اوج اختلافها و از هم پاشیدگی بسیاری از رأی دهندگان، بخصوص یک گروه بزرگ قومی انتخابات را دائر کرد؟ من از این ناحیه به بعضی از همکاران افغان خود ابراز تشویش کرده بودم. مشاور امنیت ملی، زلمی رسول درست می گفت و اصرار میکرد که انتخابات باید دائر گردد، حتی اگر شرایط بسیار خراب تر از حالت مطلوب باشد. بدون انتخابات فعالیت های دموکراتیک در افغانستان سقوط خواهد کرد. اکنون این امیدواری، ولو با مشکلات در کشور در بین مردم و در افکار آنها جا گرفته است. بسیاری از من می پرسیدند که آیا افغانستان برای پیاده کردن دموکراسی بطور کافی آماده است؟ در نظر من این پندار در حق ملیونها افغان، بخصوص نسل جوان که میخواستند کشور شان به این پیشرفت نایل آید، یک جفا بود. اگر ما انتخابات را فسخ میکردیم و من نمیدانم که چطور اینکار را انجام میدادیم، در آنصورت یک عقب نشینی از آرمان کسانی بود که آرزوی رفتن افغانستان را بسوی تجدد در دل می پروراندند. مسلم است که عملیه تشکل مؤسسات دموکراتیک و حاکمیت قانون در افغانستان مدت بیشتر را نیاز دارد.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

انتخابات ریاست جمهوری مثل انتخابات پارلمانی سال بعد با بی نظمی و تخلف همراه بود، ولی در پایان روز مؤسساتیکه برای تثبیت تخلفات وظیفه داشتند، موفق شدند و توانستند انتخابات را به دور دوم بکشانند. اینکار در بسیاری کشورهای اطراف افغانستان و کشورهاییکه دارای سازمان های مؤسساتی، اقتصادی و اجتماعی بسیار پیشرفته اند، صورت نگرفته است. در بعضی کشورهای همجوار افغانستان حکمرانها حمایت قاطع مردم حتی بیش از 90 فیصد آرا را مثل دوران سابق شوروی حاصل میدارند و اگر کسی راجع به نتایج آن سوال و اعتراض کند، بوسیله فشار مجبور به خاموشی ساخته میشود. آیکن بیری یک بار گفته بود که در سالهای 1990 راکت های «کاتوشا» تصمیم میگرفت که کی در کابل بقدرت برسد، اما حالا صندوق های رأی اینکار را انجام میدهند. مهم اینست که باید این پیش منظر حفظ گردد.

ما وقت و انرژی بیشتر را صرف پیدا کردن بی نظمی و تخلف کردیم. اینکار درست بود. اما ما و رسانه های بین المللی کمتر توجه را به ادعا های کرزی مبنی بر مداخله خارجی ها معطوف داشتیم. با یک نگاه در گذشته، جای شک نخواهد بود که مداخلات خارجی پرصدا و غیر قابل قبول بود. تحریک های سائر ساسیتمداران مخالف کرزی بخصوص در اینکار جداً اثر گذار بودند. برای اما کارهای بعدی که روش کرزی را برای تشکیل حکومت آینده تحت نفوذ قرار میداد و او را برای قبولی دور دوم قانع می ساخت، از اهمیت خاص برخوردار بود. تشبیهات مختلف گالبرایت که یک فضای ناخوش آیند را ایجاد کرده بود، درجه حرارت را در آخرین مرحله عملیه انتخابات بلند برد.

علاوتاً هیچ یک ما تجارب کافی در مورد انتخاب شیوه های مغلق بررسی ها برای جلوگیری از خلی قدرت تا تابستان 2010 نداشتیم. اشتباهاتی که صورت گرفته بودند، برای پیشبرد عملیه باید اصلاح می شدند. اما درباره یک موضوع بین جامعه بین المللی و کمیون بررسی شکایات اختلاف نظر بود و آنهم در مورد تمام صندوق ها دارای کمتر از 100 رأی که 95 فیصد آرا به یک کاندید داده شده بود، اینها را باید به حیث آرای مشکوک می شناختند و شامل بررسی ها می ساختند.

رئیس جمهور کرزی ادعا داشت که موفقیت او را در دور اول انتخابات از او ربودند. آیا او حقیقت را می گفت؟ در پرتو آنچه به وقوع پیوست، من نمی توانم بگویم که او در اشتباه بود. این واقعیت که او 50 فیصد آرای لازم را در دور اول گرفته نتوانست، واضحاً بر مشروعیت او اثر گذاشت و به حیثیت سیاسی او صدمه رسانید. (پایان فصل)

قطعنامه شماره 192 مجمع عمومی ملل متحد ضمن با اعتبار و سالم دانستن انتخابات افغانستان، از رئیس جمهور کرزی خواسته است تا: «اقدامات لازم را در جهت تقویت حاکمیت قانون و روند دموکراسی، مبارزه با فساد اداری و تسریع روند اصلاح سکتور عدلی انجام دهد». (اژانس بلختر بتاريخ 11 نوامبر 2009)

(درپایان این بحث میخوام یک بررسی مختصرمقایسوی بین انتخابات 2009 و انتخابات جاری را تاجائیکه میسر است، به حیث حسن ختام این سلسله در قسمت بعدی و آخری در ادامه تقدیم دارم)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ